یادداشت

زنان تراز



معصومه ظهیری
استاد حوزه و دانشگاه

نقش بانوان در کربلا چند وجه و بُعد داشت؛ یک بعد، همراهی با کاروان حضرت اباعبدا...الحسین(ع) از مدینه به مکه و از مکه به سوی کوفه بود که شامل داوطلبانی از دختران بنی‌هاشم، همسران اصحاب و گاه کنیزان می‌شد. مهم آنکه در طول مسیر هم تعدادی از بانوان، داوطلبانه به کاروان سیدالشهدا(ع) پیوستند؛ مثل مادرانی که فرزندانشان را ابن‌زیاد به شهادت رسانده بود. داوطلبانه بودن، ماندن در مسیر و نهراسیدن و پا پس نکشیدن، از ویژگی‌های این بانوان بود. وجه دیگر نقش‌آفرینی زنان به هنگام واقعه در کربلا بازمی‌گردد، به‌طوری‌که در تاریخ نیامده است حتی یکی از بانوان از کاروان جدا شده باشد، بلکه حتی آن‌ها که از بنی‌هاشم نبودند، گفتند می‌خواهیم کنار دختر علی(ع) بمانیم. این بانوان هم اهل مهربانی و یاری بودند و هم در همه آن مصائب، جزع و فزع و ابراز تألم نکردند؛ مثل مادر و همسر و هب نصرانی یا همسر و مادر عمربن جُناده که خود همسر و فرزندشان را راهی میدان کردند. لذا شجاعت، بی‌باکی و استقامت و همراهی از ویژگی‌های زنان در قیام عاشورا بود.

راویان واقعه کربلا، بانوان هستند

اما مهم‌ترین وجه حضور زنان در ماجرای کربلا، مربوط به بعد از واقعه عاشورا می‌شود؛ آن زمان که دیگر مردی نیست. جز بدن تب‌دار حضرت سیدالساجدین(ع)، دیگر رزمنده‌ای باقی نمانده است. کاروان سالار در آن شرایط بحرانی، یک بانو است که ۸۴ زن و بچه در اسارت را مدیریت می‌کند؛ زنانی که ایمان و باور و استقامت و همچنین اظهار نکردن تسلیم و تألم و سستی در ادامه راه در آن‌ها مشاهده می‌شود و نه‌تنها نمی‌هراسند، بلکه دشمن را نیز به ترس وامی‌دارند. خطبه‌های حضرت زینب(س)، شعرهای حضرت سکینه خاتون(س)، مقاومت سایر بانوان اسیر و روشنگری و تبیین و افشاگری آن‌ها، همگی نشان می‌دهد که راویان واقعه کربلا بانوان هستند؛ مثل خانم رباب(س) که بعد از اربعین به مدینه بازنمی‌گردد، بلکه کنار مضجع حسینی می‌ماند و برای کاروان‌ها، روایت و درباره عاشورا افشاگری و روشنگری می‌کند.

امتداد عاشورا در تبیین‌های زینبی

امتداد عاشورا در حرکت و تبیین زینب کبری(س) جلوه‌گری می‌کند؛ یعنی علاوه بر روایتگری صادقانه، مجاهدت تبیین‌گرانه هم داشتند و همان‌طور که به تعبیر زیارت اربعین، امام حسین(ع) خون قلب خود را دادند تا امت از جهل نجات یابد، حضرت زینب(س) هم با جهاد تبیین از تاریخ، جهالت‌زدایی و حیرت‌زدایی و با آن حرکت امتدادی و تبلیغی و بیانی، تاریخ را مدیون خود کردند و ما نیز به ایشان که هم دختر، هم مادر، هم خواهر و هم عمه شهید هستند، مدیونیم.

کنشگری علمی‌اجتماعی

از این‌رو، حرکت زینب کبری(س) محدود در ۱۰ روز کربلا نیست، بلکه حرکتی عالمانه، کنشگرانه، فعال و مؤثر اجتماعی است. همه زندگی ایشان تجلی ایمان، مجاهدت و ایثار است؛ چنان‌که آن بانوی بزرگوار از راویان خطبه حضرت زهرا(س) بودند. همراهی با پدر در کوفه، محدثه بودن و پاسخگویی به سؤالات و احکام (کنشگر علمی اجتماعی)، بازگشت از کوفه به مدینه و مجدداً پاسخگویی به مردم در مدینه و... در سیر زندگی حضرت زینب(س)، ایشان را بانویی عالم، فاضل و آگاه به زمان، مجاهد و کنشگر و فعال معرفی می‌کند؛ یعنی شخصیتی مدیر که محصور به زمان و جغرافیایی خاص نمی‌شود و برای همه اعصار و نسل‌ها الگوبخش است و تاریخ را مدیون خود کرده است.

اشارت

به انتظار تو

ریحانه عامل‌نیک| هنوز مجالس روضه حسینی برپاست و شب‌ها و روزها می‌توانیم در مجالس شرکت کنیم و پای منبر بنشینیم. چه در فضای مجازی و چه در کانال‌ها و رسانه‌های مختلف از عزاداری‌های حسینی حرف زده می‌شود و حتی نحوه اقامه عزا به نقد و نظر گذاشته می‌شود. این روزها از عملکرد یک مداح برای گرم کردن روضه تصویری دست به دست می‌شود که انتقادهای زیادی دریافت کرده است. تصویری که باعث شد اشارت امروز را به بهانه آن بنویسم. برای ماه محرم و صفر آدابی وجود دارد که با رعایت آن‌ها هم در اقامه عزا موفق هستیم هم اگر خدا بخواهد در محضر امام زمان(عج) می‌توانیم روسفید باشیم.

مداح نباید به هر قیمتی و به بهانه مجلس گرم کردن دست به هرکاری بزند. آنچه از اقامه عزا در سیره و سنت ائمه بیان شده است با جزئیات و روشن است. در سال‌های متمادی مقام معظم رهبری نیز به وفاداری مداحان و وعاظ به متون و آداب ذکر شده در روایات تأکید بسیار داشته‌اند و بیان کرده‌اند: «اگر برای ذکر مصیبت، کتاب «نَفَس المهموم» مرحوم محدّث قمی را باز کنید و از رو بخوانید، برای مستمع گریه‌آور است و همان عواطفِ جوشان را به‌وجود می‌آورد. چه لزومی دارد که ما به خیال خودمان، برای مجلس آرایی کاری کنیم که اصل مجلس عزا از فلسفه واقعیاتش دور بماند؟» (۱۳۷۳/۰۳/۱۷)

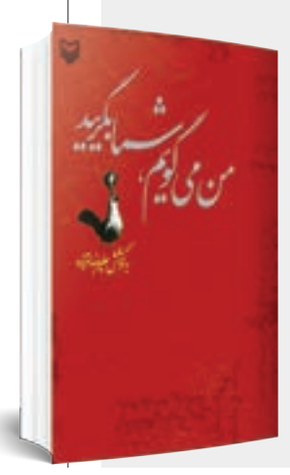
همان‌طور که حتما دیده‌اید روضه‌ها و مجالس ذکر مصیبت کربلا به خودی خود بر دل‌ها تأثیر می‌گذارد بنابراین صحبت از مواردی که در مقاتل و سندهای تاریخی ذکر نشده است در مجالس عزاداری درست نیست. کم نیست اشعار و مراثی زیبایی که می‌توان به آن‌ها رجوع کرد تا در کمال ادب در ساحت امام عصر(عج) به اقامه عزا نیز پرداخت. به غیر از ثبت دوربین‌های تلفن همراه هیچ چیز از چشم خدای بینا پنهان نمی‌ماند.

بردار و بخوان

من می‌گویم، شما بگریید!

«از کودکی در دسته‌های سینه‌زنی و عزاداری گم می‌شدم. هنوز هم گم‌شده آن دسته‌هایم. این سال‌های آخر شعرهایی از اینجا و آنجا از برخی مداحان آشنا و نام‌آشنا می‌شنوم که به‌جای آنکه دل را باارانی کند، آن را به درد می‌آورد. برخی نیز داعیه خودنمایی دارند، حال آنکه اصل در کربلاگم شدن است و به اصل خویش رسیدن. همین انگیزه‌ای شد تا این اشعار را در دفتری فراهم آورم و هدیه‌اش کنم به مداحان سوخته دل آل...؛ به‌خصوص آنان که به لحن عاشورا تکلم می‌کنند و حنجره‌شان وقف امام حسین(ع) و یاران اوست». این ایده شاعر روزگار ما، علیرضا قزوه، منجر به چاپ کتابی شد به نام «من می‌گویم، شما بگریید».

گردآورنده، عناوین فصل‌ها را به این صورت نام‌گذاری کرده است: «فصل اول: این حسین کیست؟ با کربلا، با حسین(ع)»، «فصل دوم: ای پدرجان همرهان بستند...»، «فصل سوم: ناله عشق است و آتش می‌زند (دمی با اصحاب وفادار امام)»، «فصل چهارم: گودال قتلگاه پر از بوی سیب بود (یک شب و روز عاشورا)» و «فصل پنجم: زینب اسیری رفت و ما بر جای بودیم (بعد از عاشورا)». هر فصل با شاعرانی آورده شده است که مرثیه‌ای در این باب سروده‌اند.





بررسی فلسفه و آثار زیارت در متون دینی
دل را به ضریح تو گره زده‌ایم

آمنه مستقیمی| برای شیعه که در شادی و غم، در سختی و آسایش و به وقت غنا و ناداری، پناهی جز حرم‌های اهل‌بیت(ع) ندارد و اساسا هم انتخاب اولش، بودن درکنار امامان و تنفس زیر سایه وجود مقدس آن‌هاست. زیارت، حکم معبری را دارد که او را از برزخ روزمرگی‌ها به بهشت وصال و انس می‌رساند؛ به همین دلیل هم زیارت مرقد مطهر ائمه(ع) یا زیارت آن‌ها از راه دور به مناسبت‌های مختلف، رسم و سنت دیرینه ما شیعیان است؛ رسمی که به‌شدت به آن پایبندیم و هیچ چیز حتی بحرانی مثل کرونا نمی‌تواند پای دلمان را از رفتن به آن بازبدارد.

در زیارت آگاهانه و از روی معرفت ائمه معصوم(ع)، به‌عنوان انسان‌های کامل و اولیای خداوند، بار سفر می‌بندیم و راهی آستان آن حضرات می‌شویم. در بیان فلسفه‌های زیارت می‌توان گفت دین چیزی جز محبت نیست. ائمه اطهار(ع)، محب و محبوب خدا هستند و حب محبوب خدا، حب خداست، لذا زیارت مرقد مطهر اهل‌بیت(ع)، جلوه‌ای از این عشق، محبت و دلدادگی است. علاوه بر این، زیارت نوعی تجدید بیعت است با آرمان‌های ائمه(ع) و نیز تکریم آن‌ها به‌عنوان انسان کامل. با زیارت در مقابل خدا و دین او اظهار تواضع و تسلیم می‌کنیم و از این باب هم زیارت آثار بسیار دارد.

زیارت امام رضا(ع) هم آثار خاص و منحصربه‌فردی دارد. از ایشان روایت است: «هرکه مرا که از منزل و کاشانه به دور افتاده‌ام زیارت کند، در روز قیامت در سه جایگاه به سراغش می‌روم تا او را از ترس و سختی آن مکان‌ها خلاص کنم؛ هنگام دادن نامه اعمال به دست راست و چپ و در عبور از صراط و نزد حسابرسی و میزان» (من‌لایحضره‌الفقیه، ج ۲، ص ۵۸۴). این حدیث، رأفت بی‌حدوحصر امام مهربانی‌ها را به زائران خود نشان می‌دهد که در چه مواضع سختی به داد آن‌ها می‌رسند؛ جایی که هیچ فریادرسی برای آدمی نیست.

زیارت کارکردهای متنوع دارد و تنها یک سفر و عرض ارادت و توسل و حاجت خواستن نیست؛ زیارت امام‌شناسی را در ما تقویت می‌کند؛ شناختی که مقدمه شناخت خداست. هدف و مقصد نهایی در زیارات، لقای الهی و قابلیت دیدار رحمت اوست؛ به همین دلیل، زیارت اولیای الهی مقدمه زیارت خدا و ارتباط و تعلق وجودی به او محسوب می‌شود. زیارت نوعی ادای دین به روشنگری‌ها و هدایت‌های ائمه(ع) نیز هست. وقتی آن‌ها همه هستی خود را برای هدایت بندگان گذاشتند، ما نیز باید تلاش کنیم قدری از دِینشان را ادا کنیم که زیارت در این راه به ما کمک می‌کند. زیارت، ابراز تولی و تبری هم به‌شمار می‌رود.

یکی دیگر از آثار شگفت‌آور و انگیزه‌بخش زیارت امام رضا(ع)، حاجت‌روایی زائران است. ایشان خود فرموده‌اند: «آگاه باشید من ظالمانه با سم، شهید خواهم شد و در سرزمین غربت دفن خواهم گردید، پس کسی که برای زیارت من باروبنه خود را ببندد (و به زیارت من بیاید)، دعایش مستجاب و گناهانش آمرزیده شود» (بحارالانوار، ج ۱۰۲، ص ۳۶). این هم جلوه‌ای دیگر از محبت و رأفت رضوی را نشان می‌دهد که با یک زیارت چنین برکاتی را نصیب زائر خود و مسیر رسیدن او به خواسته‌هایش را فراهم می‌کند.

زیارت آثار فردی و اجتماعی فراوانی دارد که مرور کوتاه آن‌ها هر آدمی را وسوسه می‌کند. در این میان، درباره زیارت امام حسین(ع) و امام رضا(ع) روایات خاص‌تری وجود دارد. امام باقر(ع) می‌فرمایند: «شیعیان ما را به زیارت امام حسین(ع) امرکنید؛ چراکه زیارتش روزی را افزون می‌کند، عمر را طولانی می‌گرداند و بلاها و بدی‌ها را دفع می‌کند» (تهذیب‌الاحکام، ج ۶، ص ۴۲). امام رضا(ع) نیز درباره ثواب زیارت امام حسین(ع) فرموده‌اند: «هرکه اباعبدا...(ع) را کنار شط فرات زیارت کند، مانند شخصی است که خداوند را در بالای عرش زیارت کرده است» (تهذیب‌الاحکام، ج ۶، ص ۴۶).

نکته مهم آنکه همه این آثاری که برای زیارت امام حسین(ع) و امام رضا(ع) برشمردیم، صرفا محدود به زیارت از نزدیک و حضور در حرم مطهر آن حضرات نیست، بلکه می‌توان از راه دور هم دل را به ضریح آن‌ها گره زد و عرض ارادت کرد؛ خود اهل‌بیت(ع) نیز این زیارت از راه دور را به ما یاد داده‌اند تا هرجا کارمان گره خورد و پناهی نداشتیم، با یک سلام و یک زیارت عاشورا، امین ا... یا جامعه کبیره، زائر آن حضرات شویم و خود را در فضای زیارت قرار دهیم؛ فضایی که تنفس در آن، حال آدمی را خوب می‌کند.

روشنا

الَّذِينَ يُنْفِقُونَ فِي السَّرَّاءِ وَالضَّرَّاءِ وَالْكَاظِمِينَ الْغَيْظَ وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ وَا... يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ. (سوره آل‌عمران، آیه ۱۳۴)

همان‌ها که در راحت و رنج، انفاق می‌کنند و خشم خود را فرومی‌خورند و از مردم درمی‌گذرند و خدا نیکوکاران را دوست دارد.

شنیدنی

ماجرای منچستر و آبگوشت

حمیده ذاکری| اظهر است و ما یعنی تیم محله پایین بالاخره تیم منچستر محله بالا را شکست داده‌ایم. از این برد تاریخی آن‌قدر مست شده‌ام که بوق ورزشگاه به دست توی کوچه‌ها می‌چرخم و بعد از چند تا دور افتخار توی کوچه انگار کافی نباشد، بقیه تیم شکسته‌وبسته‌مان را شیر می‌کنم که «این جوری کسی نمی‌فهمد چه کرده‌ایم بچه‌ها! برویم مسجد و آنجا به بروبچ خودی نشان بدهیم، وگرنه فردا کی باور می‌کند ما بالاخره این منچستری‌ها را له کرده‌ایم». به سمت مسجد می‌دوم. به پله‌های مقابل مسجد که می‌رسم، به بچه‌ها می‌گویم: «یالا پرچم رو هم تکان بدید!». اینجا را نمی‌دانم کار شیطان است یا آه منچستری‌ها گردن‌گیرم می‌شود که محض خودشیرینی می‌پرم روی دست‌هایم و برعکس وارد مسجد می‌شوم که «منچستر رو بردیم». اما پیش از آنکه جمله‌ام تمام شود، فرود می‌آیم وسط سفره آبگوشت، آن هم با ساق خونی و تن خیس از عرق. چشم‌هایم را می‌بندم و صدای ا...اکبر ملت می‌پیچد توی گوشم. چشم‌هایم را که باز می‌کنم، آقاجان به همراه بقیه اهل محل بالای سرم ایستاده‌اند. از ترس زبانم بنده آمده است و نمی‌دانم چه کنم که آقای ترابی، پیش‌نماز مسجد، قبل از همه سمتم دست دراز می‌کند که: «به به پهلوون! پاشو تا قاتی تلیته‌ها نخوردیمت!».

دستش را که انگار ریسمان الهی است، چنگ می‌زنم و خودم را از نهر آبگوشت و سبزی خوردن بیرون می‌کشم. عطر عبایش بوی آبگوشت را از دماغ می‌برد. می‌دانم بابا معطل است که حاج‌آقا رهایم کند تا درسی درست‌وحسابی به من بدهد اما حاج‌آقا همان‌طور که مراگرفته است، یکی‌دو قدم عقب می‌رود و رو به بابا و سایر اهالی محل می‌گوید: «آقایونی که کاسه‌های آبگوشتشون سالمه، بی‌زحمت همون کاسه‌ها و نون‌ها رو ببرن توی حیاط مسجد میل کنن، ما و جواد آقا هم ترتیب بقیه سفره رو می‌دیم».

آن‌قدر جدی است که همه بدون حرف می‌روند. صورتم بین عبای سفیدش است و حتم دارم که لباس روز عیدش حسابی چرب‌وچیلی شده است. آقاجان این پا و آن پا می‌کند و می‌گوید: «این طور که نمی‌شه حاج‌آقا! شما برید. من وجواد می‌مونیم». حاج‌آقا چند تا می‌زند پشتم و می‌گوید: «شما بفرما؛ من با جواد آقا کار دارم». بعد هم دست می‌کشد روی سرم که «این قدر ول‌نخور آقاجان! بابات گیرت بیاره، تکه بزرگت گوشته!». از ترس یا خجالت، آرام می‌گیرم. همه رفته‌اند اما رویم نمی‌شود صورتم را از عبای حاج‌آقا بردارم. حاج‌آقا می‌گوید: «خوب کردی بابا، آمدی مسجد! شادی‌ات رو با دیگران قسمت کردی، آفرین! الحق که دلم رو شاد کردی».

بعد هم مرا از خودش جدا می‌کند و ادامه می‌دهد: «آفرین! سرت رو بگیر بالا باباجان! چرا خجالت می‌کشی؟ بهت نمی‌خندم». تا صورت چرب‌وچیلی‌ام را می‌گیرم بالا، می‌زند زیر خنده. خنده‌اش تمام نمی‌شود.

احکام

یاداموات

قسمت اول

از سنت‌های نیکو، زیارت قبور است. امام علی(ع) فرمودند: به زیارت مرده‌های خود بروید آن‌ها از زیارت شما شاد می‌شوند. در اینجا به چند نکته اشاره می‌شود:

- همیشه زیارت اهل قبور به‌ویژه شب و روز جمعه مستحب است.
- مستحب است بر اهل قبور سلام کنید و سلام زیر را بخوانید: «السَّلَامُ عَلَى أَهْلِ الدِّيارِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ» درود بر اهل شهرها که مؤمنین و مؤمنات هستند.
- مستحب است زائر دست خود را بر روی قبر بگذارد و هفت‌بار سوره قدر، سه‌بار حمد، سه‌بار ناس و فلق و آیة الکرسی را بخواند.